

درباره دو اثری که به نمایش خانگی آمدند

شعله‌های حسادت و فروپاشی یک انسان



ایمان عبدلی

این هفته به جای یادداشتی درباره فیلم‌های روی پرده درباره دو فیلمی که به تازگی به نمایش خانگی آمدند، نوشتیم. در ابتدا «شعله‌ور»، ساخته حمید نعمت‌الله، سینمایی که نعمت‌الله ارائه می‌کند کاملاً متفاوت با جریانات اصلی در سینمای ایران است. به عبارتی سینمای او احتمالاً کاراکتر محورترین گونه سینما در فضای فیلم‌های فارسی است. در داستان‌های او مهم‌تر از روایت،

این آدم‌ها هستند که نقش آفرینی می‌کنند و بیننده را به دنبال خودشان می‌کشاند. شعله‌ور داستان فرید است که از فرط حسادت دچار فروپاشی اخلاقی می‌شود و شعله‌های حسادت با او کاری می‌کند که تمام هر آنچه ندارد هم از دست می‌رود. روایت ما را آرام آرام با این فروپاشی همراه می‌کند. این جا نمی‌خواهم خیلی از روایت حرف بزنم. شاید حیف است وقتی از فیلمی مثل شعله‌ور می‌گوییم ارزشش را صرفاً به

برتری‌های روی‌آیندش تقلیل بدهیم. شعله‌ور مصداق آن چیزی است که به آن فیلم سینمایی می‌گوییم. همان نقطه‌ای که با قالبی مثل فیلم تلویزیونی مرز ایجاد می‌کند. مجموعه وسوس‌های تکنیکی که در ساخت جهان داستان نقش بسزایی دارد. فیلم برداری، رنگ، موسیقی، طراحی لباس و اصلاً انتخاب جغرافیایی مناسب برای تعریف کردن داستان. فرید از تهران شروع می‌کند و به سیستان و بلوچستان می‌رسد. فیلم‌ساز

برای نمایش فروپاشی کاراکترش عامدانه او را از جغرافیای محل سکونتش دور می‌کند. در چنین بستری احتمال فروپاشی بالایی دارد. او در تمهیدی دیگر پسر فرید را همراه کاراکترش می‌کند تا چون آینه‌ای در هم شکسته نشانه آینده‌ای باشد که مال او نیست. از این رو که پسر به پدر وابستگی خاصی نشان نمی‌دهد و همین کم‌تمایلی نشانه‌ای از آینده است که مال فرید نیست. در واقع اگر همین دو تمهید را نمونه‌ای از طراحی شخصیت شعله‌ور

در ذهن داشته باشیم درمی‌یابیم که با فیلمی چند لایه و مسلط به مباحث روانی مواجهیم، چه در فیلمنامه و چه در اجرا. فیلمی که دوربینش می‌داند در لحظه‌های فروپاشی باید نمای نزدیک را قدر بداند. فیلمی که در ورود به سیستان بلوچستان چند نمای دور می‌گیرد و بعد به درستی مثل یک پسر بچه بازگوش در شهر و بازار شیطان می‌کند، انگار که ما دنیا را از چشمان فرید می‌بینیم و اصلاً انگار این ایگوی فرید است که به بلوغ نرسیده و...
هت تریک شیرین یک قمارباز
«هت تریک»، ساخته رامتین لوفانی، دومین فیلم قابل توجهی است که در این هفته وارد شبکه نمایش خانگی شده است. فیلم داستان یک قمارباز است که نقش آن را امیر جدیدی ایفا می‌کند و چقدر هم خوب از پس کار بر می‌آید. داستان به تاسی از سینمای فرهادی یک شروع شاد و شگ‌دارد.

انگار همه چیز روبه راه است، اما ما از این حجم آرامش و خوشی درمی‌یابیم که قرار است اتفاقات بدی بیفتند. خیلی زود اولین اتفاق ناگوار می‌افتد و چهار کاراکتر اصلی داستان را به دردمس می‌اندازد. تا این که با ورود به خانه، رها آن حادثه ناگوار ابتدای فیلم از ذهن فراموش می‌شود. رفته رفته و باز هم مشابه با همان سینمای فرهادی رازهایی فاش می‌شود و گره داستان کورتر می‌شود، تا این که به اوج روایت می‌رسیم.
بالبین تعاریف شاید فکر کنید با یکی دیگر از آثار اعصاب خردکن به اصطلاح

پرده نقره‌ای

جعفری جوزانی:

امیدوارم قبل از مرگ کوروش را بسازم



مسعود جعفری جوزانی از سرنوشت پروژه «کوروش» و برنامه‌اش برای ساخت فیلمی درباره قانون و دادگاه گفت.

وی در مورد سرنوشت تولید پروژه عظیم کوروش به گفت: تاکنون ۷۰۰ خرده‌ای میلیون تومان بابت فیلم «کوروش» هزینه کرده‌ام ولی فعلاً ساخت آن را متوقف کرده‌اند.

جوزانی در گفت‌وگو با سینما آنلاین با اشاره به علت توقف کار گفت: متأسفانه اراده تولید در دست ملت نیست. در دست ما نیست، سرمایه‌گذارهای ایرانی هم شهامتش را انداخته و بیشتر برای کارهای دیگری می‌آیند نه فیلم‌ساختن.

کارگردان سریال «در چشم باد» در ادامه گفت: ما یک سری سرمایه‌گذار خارجی پیدا کردیم، با آنها قرارداد بستیم و کار را شروع کردیم ولی متأسفانه مشکلاتی بر سر راه‌شان پدید آورده تا حدی که آنها به جز یک سسری کمک‌هایی که انجام دادند، گذاشتند و رفتند. مسعود جعفری جوزانی سپس گفت: من امیدوارم قبل از اینکه بمیرم، «کوروش» را بسازم چون ساخت آن برایم حسرت شده است. کارگردان «ایران برگر» درباره برنامه‌هایش در آینده گفت: یک فیلمنامه با نام «بهشت تبهکارها» نوشته‌ام و امیدوارم آن را بتوانم بسازم و مشکلاتی برایش پیش نیاید. نگارش این فیلمنامه به تمام رسید، بخشی از سرمایه جذب شده و به محض تأمین سرمایه، ساخت آن را شروع خواهم کرد. در «بهشت تبهکارها» برای اولین بار به شکل بسیار جدی، قانون و دادگاه مطرح می‌شود.

جعفری جوزانی با بیان این نکته که اول باید سرمایه را تأمین کرد و بعد دنبال گرفتن پروانه ساخت بود به انتقاد از مدیران فرهنگی پرداخت و گفت: به نظرم مدیران فرهنگی سینما را رها کرده‌اند و به زودی سینمای ایران به همین ترتیب که در حال سقوط است، هم سقوط اخلاقی خواهد کرد و هم سقوط هنری و مثل زمان‌های قدیم به سرگرمی مطلق تبدیل خواهد شد.

ممنوع تصویر سیاره اسکندری صحت ندارد

مینی سریال «گیله‌وا» به کارگردانی اردلان عاشوری یکی از تولیدات سازمان هنری رسانه‌ای اوج بوده که بر اساس اطلاع‌رسانی قبلی قرار بود بعد از پخش سریال گاندو، از شبکه سه سیما پخش شود. اکنون اما به جای این سریال، مجموعه «اچمز» در حال پخش از شبکه سوم سیماست. این در حالی است که هیچ اطلاع‌رسانی در این باره از سوی شبکه و روابط عمومی مجموعه انجام نشده است. مینی سریال تاریخی «گیله‌وا» در شهرهای کیش، سیاهکل و تهران تصویربرداری شده و حمیدرضا پگاه، ستاره اسکندری، امیرحسین صدیق، بهروز شعبانی، مهدی زمین پرداز، امیرحسین هاشمی، مه‌رآن رجبی و پریا مردانیان از جمله بازیگرانی هستند که در این مجموعه به ایفای نقش پرداخته‌اند. با توجه به حواشی پیش آمده برای ستاره اسکندری، این طور به نظر می‌رسد که پخش «گیله‌وا» به دلیل حضور این بازیگر عقب افتاده است. امیر بنان، تهیه‌کننده سریال گیله‌وا، درباره عدم پخش این سریال گفت: نمی‌دانم دلیل پخش نشدن این سریال چیست؟ وی همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا پخش نشدن سریال به حواشی جدید ستاره اسکندری مرتبط است، گفت: بعد از پخش نشدن سریال، دلیل آن را پیگیری کردیم ولی مسئله‌ای را به عنوان عامل اصلی به ما اعلام نکردند.

بنان تصریح کرد: این طور که پیداست، با توجه به اینکه مینی سریال «گیله‌وا» درباره جنگ منجیل است و به نوعی تطابق زمانی آن از بین رفته بود، این طور تصمیم گرفته شده که در موقعیت مناسب‌تری پخش شود.

عجیب بود: «کیارستمی همه‌اش آی کیو است، فیلسازی نیست. آی کیو هنری هم نیست! به جور آی کیو دیگر است که من نمی‌دانم اما آی کیو فیلسازی نیست، فیلم اساساً جایزه می‌خواهد و موفق هست. آن آی کیو اعمال می‌شود و پوستر فیلم هم در همان راستا است!» محمدتقی فهیم دیگر منتقد «هفت» هم در امتداد حرف‌های فرادستی «طعم گیلان» را ضعیف‌ترین کارنامه کیارستمی می‌داند که به هیچ قاعده‌ای وفادار نیست حتی قاعده فیلم‌های خود کیارستمی. همین دو جنجال در دو هفته اخیر نشان می‌دهد که اگر «هفت» قصد ادامه دارد باید دست به خانه تکانی بزند. اگر زمانی در کنار نقد و نظر و حضور منتقدان جبرانی نقدهای فرادستی شنیده می‌شد و برنامه در تعادلی از نقد و خبرسازی قرار داشت، حالا آن وجه دوم ماجرا کاملاً سیطره پیدا کرده و خبری از نقد نیست. شاید گردش بیشتر منتقدان با طیف‌های متنوع تر حیاتی‌ترین ایده‌ای باشد که می‌تواند آبروی رفته «هفت» را برگرداند، رنگ‌بندی نظرات احتمالاً حال نزار «هفت» را خوب خواهد کرد.



هم هست. سینمای ناچیزی دارد و طرفدار خشونت است. او البته در ادامه یک جمله هم درباره خاندان ریگی می‌گوید که جنجال به پامی‌کند. فرادستی البته بعدتر توضیح داد که منظورش توهین به قوم خاصی نبوده و صرفاً تریبون‌رسم را لعنت کرده. برخی هم این جنجال را تمهید سازندگان دانستند که با چنین اقدامی فیلم رادر صدر رسانه‌ها قرار دادند تا شاید بیشتر بفروشد! غائله آبیاری و ریگی و این‌ها داشت آرام می‌شد که سه روز پیش جنجال ترازهای رخ داد و این بار محمدتقی فهیم و فرادستی درباره سینمای کیارستمی حرف‌هایی زدند که کمی

به چه بهایی قرار است تمام شود؟ توهین به سطح شعور و درک مخاطب تا کجا قرار است ادامه یابد؟ باید متذکر شد در شرایط فعلی که جای فیلم‌های کم‌دلی بی‌نظیری همچون «آچاره‌نشین‌ها»، «لیلی با من است»، «مارمولک» و «نان، عشق و موتور ۱۰۰۰» و فیلم‌هایی از این دست که قبلاً هم با استقبال خوب مخاطبان روبرو می‌شدند، به شدت خالی است، چرا باید گیشه سینما زمان‌هایی را برای اکران آثار مبتدلی چون «ایکس لارج» صرف کند که بیشتر از پیش بر از بین بردن فرهنگ، اصالت و اخلاقیات دامن می‌زند! از اینرو به جای آنکه سینمای کم‌دلی روز به روز پیشرفت کند، هر روز با اکران فیلم‌های سخیفی همچون «ایکس لارج» از جایگاهی که داشته دور و دور تر می‌شود. درست است که نسبت به فیلم‌های کم‌دلی اندکی باید از نگاه انتقادی کاسته شود، چرا که رسالت این نوع ژانر صرفاً نشان دادن لبخند بر چهره

و ناپهنجار هستند که به صورت مجموعه‌ای از سکانس‌هایی گسسته و بی‌مضمون در کنار هم ردیف شده‌اند و به هر ترتیب می‌خواهند مخاطب سالن سینما را به خنده وادار کنند. از اینرو باید متذکر شد «ایکس لارج» حتی از دیگر آثار سخیف سینمای کم‌دلی ایران در جایگاه به مراتب پایین‌تری قرار دارد و شوربختانه هیچ خط فکری یا نکته اجتماعی نیز از آن بر نمی‌تابد. ناگفته نماند حتی نام فیلم یعنی «ایکس لارج» نیز هیچ ارتباط و همخوانی با فیلمنامه اثر ندارد. تماشاگر این فیلم فقط شاهد یک دورهمی از بازیگرانی است که در ایام گذشته هر کدام در برنامه‌های تلویزیونی گهگاهی خنده بر چهره مخاطبان خود می‌آفریدند، حال مجالی برایشان پیش آمده تا به صورت دسته جمعی در یک قاب سینمایی به جای قاب تلویزیونی کنار هم نقش آفرینی یا به عبارتی لودگی کنند. نکته قابل تأمل آن است خندانند مخاطب

سیر قهقراپی تنها برنامه سینمایی ادامه دارد

فراستی، هفت و نودهایی که دیگر نیست

آبان نامجو

آن روزها که «هفت» جیرانی در اوج بود، عده‌ای گفتند که قرار است نود سینمایی باشد. این از طنز روزگار است که خود نود تحمل نشد و احتمالاً آن چه که از «هفت» مانده یک حالت ضعیف شده است. این روزها «هفت» نه جایی برای نقد و نظر درباره فیلم‌ها، بلکه بیشتر جایی برای ایجاد جنجال و تنش شده و این شاید متأثر از شرایط کلی فیلم‌های روی پرده هم هست. آثاری که عمدتاً ضعیف و غیر قابل توجه هستند، اما خوب این دلیل کافی نیست و به نظر از آن «هفت» در اوج پوخته تنش‌هایش مانده با نقش آفرینی مسعود فرادستی، حداقل در این هفته‌های اخیر. دو هفته پیش بود که فراستی درباره «شبلی که ماه کامل شد» حرف‌هایی زد که جنجالی شد. او

یادداشت

نگاهی به فیلم «ایکس لارج»:

بازیگران سطحی؛ کم‌دلی‌های سطحی‌تر

و پخش می‌شد. «ایکس لارج» را چه به پدک کشیدن نام فیلم سینمایی و اکران بر پرده نقره‌ای!

از نظر داستان «ایکس لارج» قصه سه جوان امروزی را روایت می‌کند که بعد از رهایی از زندان، در مسیر تحقق رویاهای خود، با اتفاقاتی غیرمنتظره روبرو می‌شوند؛ داستانی ساده که در هنگام مشاهده آن مخاطب شاهد مجموعه‌ای از ادا و اطوارهای عجیب و غریب، دفرمه کردن صورت و سروصدا در آوردن از ابتدا تا انتهای آن است. به لحاظ درون‌مایه حتی یک نکته یا مسئله اجتماعی نیز در این فیلم به چشم نمی‌خورد و شوخی‌های تنها ادا و اصول‌های مثلاً طنز آلود آغشته به شوخی‌های رایج، حرکات مبتذل

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

از هر شوخی و لودگی استفاده کردند تا ما را بخندانند؛ این دقیقاً تنها جمله قابل شرحی است که بعد از تماشای «ایکس لارج» می‌توان بیان کرد. برآستی چه بلایی بر سر سینمایی کم‌دلی آمده است؟ به ضرس قاطع می‌توان گفت «ایکس لارج» حتی از فیلم‌هایی همچون «خانم پایا» و «پارادایس»، «سامورایی در برلین» و «دختر شیطان» هم به مراتب سخیف‌تر است و حتی در رده آثار سینمایی هم نمی‌تواند جایگاهی را به خود تخصیص دهد. اصلاً چنین فیلمی از طریق همان شبکه‌های خانگی تحت فیلم‌های مر سوم به فیلم‌های سوپرمارکتی باید توزیع